

## تحلیل تاریخی تعالیم امام هادی علیه السلام براساس نظریه پخش با تأکید بر زیارت غدیریه و زیارت جامعه کبیره

حمیدرضا مطهری، محمود بختیاری<sup>۱</sup>

### چکیده

اقدامات امام هادی علیه السلام برای انتقال مفاهیم دینی به شیوه‌های مختلفی قابل تحلیل و بررسی است. ایشان با توجه به شرایط زمان خود روش‌های مختلفی را برای تبیین اصل امامت و معرفی مصادیق آن به کار می‌گرفت. بیان جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام به روش‌هایی همچون زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه و نیز تعیین جانشین خود، از راهبردهای ایشان برای انتقال تعالیم شیعی بود. براین اساس، پژوهش حاضر به روش تحلیلی - اسنادی و باهدف تحلیل تاریخی تعالیم امام هادی علیه السلام براساس نظریه پخش و با تأکید بر زیارت غدیریه و زیارت جامعه کبیره انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که امام هادی علیه السلام براساس مؤلفه‌های نظریه پخش یعنی، مقصد پخش (محیط پذیرا و ناپذیرا؛ موانع سیاسی و فرهنگی)، مسیرهای پخش (پخش جابه‌جایی، پخش سرایتی و پخش سلسله‌مراتبی) و زمان پخش، با به‌کارگیری ابزارهای مختلف مانند زیارت، موضوع پخش را که تعالیم الهی به‌ویژه امامت بود در جامعه تبیین و نهادینه نمود.

### واژگان کلیدی: تعالیم امام هادی علیه السلام در تبیین امامت، تبیین امامت، نظریه

پخش در تبیین امامت، زیارت غدیریه، زیارت جامعه کبیره، عصر عباسی.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۷/۱۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۷  
۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.  
Email: h.motahari@isca.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: Mahmud.b1113@gmail.com



## ۱. مقدمه

دوران امام هادی (ع) ازسویی با جریان‌های سیاسی دشمنان اهل بیت (ع) مانند حاکمیت متوکل مواجه بود و ازسوی دیگر جریان‌های فکری مخالف فرهنگ اهل بیت (ع) در سایه جریان‌های سیاسی رونق گرفته بود. امام هادی (ع) باتوجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خود راهبردهای متفاوتی برای تبیین معارف اهل بیت (ع) به‌کار گرفته و از روش‌های مختلفی مانند دعا و زیارت استفاده کرد. اقدامات امام هادی (ع) به‌روش‌های مختلفی مانند نظریه پخش قابل تحلیل است. پژوهش حاضر باهدف بررسی اقدامات امام هادی (ع) برای نهادینه‌سازی معارف اهل بیت (ع) به‌ویژه امامت براساس نظریه پخش انجام شد. درباره بررسی تاریخی تعالیم امام هادی (ع) تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های مختلفی نوشته شده است که درخلال موضوعات خود به این امر نیز اشاره دارند. برخی از این آثار عبارتند از: کتاب *حیاه الامام علی الهادی (ع) دراسه و التحلیل* (شرف القرشی، ۱۳۷۵)؛ کتاب *امام هادی (ع) زندگانی سرشار از جهاد و معجزه* (کوریانی عاملی، ۱۳۹۶) که این کتاب، زندگانی امام هادی (ع) را به‌گونه‌ای مورد توجه قرار داده که تبیین‌کننده کرامات و معجزات آن حضرت در مواجهه با جریان‌ها و حاکمان و شخصیت‌هاست. مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام هادی (ع) نیز به‌کوشش مطهری (۱۳۹۷) که در چهار جلد ارائه شده است، اما درباره موضوع حاضر یعنی، تحلیل و بررسی تاریخی تعالیم امام هادی (ع) براساس نظریه پخش، مقاله یا نوشته مستقلی یافت نشد. پژوهش حاضر برآن است تا بااستفاده از نظریه پخش به این سؤال پاسخ دهد که امام هادی (ع) از چه راه‌هایی تعالیم الهی را منتقل می‌کرد و عوامل و موانع تأثیرگذار بر آن، چه بوده است.

## ۲. نظریه پخش

نظریه پخش، نظریه‌ای است درمورد چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش پدیده‌ها، ایده‌ها و اندیشه‌ها که از سوی هاگر استرندها جغرافی دان سوئدی در سال ۱۹۳۵ میلادی ابداع و ارائه شد. اگرچه در ابتدا کاربرد این نظریه درباره موضوعاتی مانند کشاورزی و شیوع بیماری‌ها

بود، اما پس از مدتی در مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز مورد استفاده قرار گرفت. (برزگر، ۱۳۸۶، ۴۰/۵) پخش سرائتی و سلسله‌مراتبی با سرعت بالای انتشار و سرایت از انواع پخش انبساطی هستند (پانوف و پیرون، ۱۳۶۸، جردن و راونتیری، ۱۳۸۰). در این دو نوع پخش، افکار و مفاهیم از سرزمین میهمان و جدید هجرت می‌کنند و مانند هجرت فیزیکی نیست، بلکه سرعت انتشار بالایی دارد (برزگر، ۱۳۸۶، ۴۵/۵). در تبیین و مطالعه بازتاب‌های هر نوآوری سیاسی براساس نظریه پخش، مبدأ و مقصد، بازه زمانی، ابزارها و مجاری و در نهایت موضوع پخش واکاوی می‌شود. همچنین موانع پخش و امواج رقیب از عوامل کاهش‌دهنده است که در بررسی بازتاب‌های پدیده و پخش آن باید در نظر گرفته شود. چگونگی انتقال تعالیم الهی توسط امام هادی علیه السلام براساس نظریه پخش به شرح زیر است:

## ۱-۲. مبدأ پخش در نظریه پخش

مبدأ پخش خاستگاه نوآوری و صدور پیام‌ها و ارزش‌های جدید است. امامان معصوم علیهم السلام در امتداد مسیر نبوی و علوی با ولایت خود، فقط مرجع صدور ارزش‌های مبتنی بر فرامین الهی بوده‌اند. امام هادی علیه السلام نیز با ادامه راه امامان قبل از خود، گام‌های مؤثری در انتقال تعالیم الهی برداشته است. مبدأ پخش، امامی جنیدی ناصبی بود که از طرف معتصم مأمور آموزش به آن حضرت شد. جنیدی در پاسخ به این سؤال که «این کودکی که به آن آموزش می‌دهی چگونه است»، با تعجب زیاد گفت: «این کودک را می‌گویی؟! چرانمی‌گویی این پیر. به خدا سوگند! او بهترین مردم روی زمین و فاضل‌ترین آنهاست». سرانجام جنیدی ناصبی و دشمن ائمه علیهم السلام به دلیل برکات انفاس قدسی امام هادی علیه السلام در گروه محبان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت و به امامت ائمه اطهار علیهم السلام معترف شد (محلای، ۱۳۸۴، ۳/۱۲۵). امام هادی علیه السلام هم‌راستا با مسیر سیره نبوی و منطق و اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با نفی سلطه حکام جور و حمایت از مستضعفان و تبیین معارف الهی، کانون پخش در عصر خود بود و چنان جایگاه خاصی در مدینه داشت که در فراغ ایشان مردم بسیار اظهار ناراحتی کردند.

سیره عملی امام هادی علیه السلام نه فقط قلوب مردم مدینه را در تصرف خود داشت، بلکه یحیی بن هرثمه - مأمور انتقال ایشان از مدینه به سامرا - را نیز متأثر کرد. ابن جوزی می‌نویسد: «پس از آرام کردن مردم مدینه توسط یحیی که قسم یاد کرده بود مأموریت





سویی درباره امام ندارد، حضرت را نزد والی بغداد (اسحاق بن ابراهیم طاهری) برد. پس از خاطر نشان کردن مقام عظمای امام توسط والی به یحیی، یحیی با قسم جلاله والله می‌گوید: «والله ما وقعت منه الا علی امر جمیل؛ به خدا من از این شخص جز خیر و نیکویی چیزی سراغ ندارم» (سبط بن جوزی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۲/۴۹۴). امام هادی (علیه السلام) با این سبک زندگی، آرمان‌ها و تعالیمی داشت و به همین دلیل بود که از همان ابتدا و حضور در مدینه، دشمنی‌هایی با ایشان آغاز شد. سعایت‌های متعدد کسانی مانند بریحه و سعایت نزد متوکل از این دست بود. با اینکه آن حضرت (علیه السلام) مبدأ پخش بود، با تربیت نیرو و ایجاد کانون‌های پخش ثانویه موجب رشد گفتمان‌های دینی شد. از این رو، امام هادی (علیه السلام) همانند اجداد خود علاوه بر گسترش دانش، به‌سازی اخلاق و تربیت مردم را نیز سرلوحه کار خود قرار داده بود. اهتمام به آموزش اطرافیان تا پایان عمر، الگوی مهمی در سبک زندگی امام هادی (علیه السلام) بود. مواجهه ایشان با ابودعامه نمونه کاملی در این مورد است. او جریان ملاقات خود با امام هادی (علیه السلام) در پایان عمر شریف آن حضرت را این‌گونه گزارش کرده است: «به عیادت امام هادی (علیه السلام) که بیمار بود و بر اثر همان بیماری در آن سال وفات کرد، رفتم. همین‌که خواستم از حضور حضرت مرخص شوم ایشان فرمود: ای ابودعامه! حقت بر ما واجب گشت. دوست داری برایت حدیثی بگویم که خشنود شوی و در ادامه سخنی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) آورد» (مسعودی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۴/۸۵). دو نکته قابل توجه از این داستان قابل استخراج است: اول اینکه، امام هادی (علیه السلام) بلافاصله و در همان مجلس در مقام جبران محبت ابودعامه هست و دیگر، انتقال معارف الهی و آموزه‌های دینی که ایشان انجام این رسالت و هدایت بشری را تا واپسین لحظات زندگی و حتی در بستر بیماری در دستور کار خود داشت. مقارنت سیره عملی در کنار سیره نظری ایشان همان ادامه مسیر قول و فعل پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اجداد ایشان است که به‌کارگیری آن در جهت‌دهی به سوی سبک زندگی اسلامی بسیار مهم خواهد بود.

## ۲-۲. مقصد پخش در نظریه پخش

دو عامل پذیرا یا ناپذیرا بودن محیط در بسترسازی مقصد پخش بسیار مهم و تعیین‌کننده است. محیط پذیرا و ویژگی‌ها و شرایطی دارد که با شرایط و ویژگی‌های مبدأ پخش شباهت زیادی دارد. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی و عوامل ناپذیرا موجب

عدم تأثیرپذیری واگرایی می‌شود. (برزگر، ۱۳۸۶، ۳۹/۵) مردم عصر امام هادی علیه السلام مقصد پخش با ترکیبی از محیط پذیرا و ناپذیرا بودند. فضای علاقه شیعیان به امام علیه السلام از سویی محیط مناسبی برای انتقال و دریافت تعالیم به ویژه در مدینه فراهم کرده بود و از سوی دیگر، موانع متعددی در این مسیر و به ویژه در سامرا محیط را ناپذیرا می‌کرد.

## ۲-۱. محیط پذیرا

منظور از محیط پذیرا تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است که زمینه تأثیرگذاری را بیشتر می‌کند. (برزگر، ۱۳۸۶)

### اول) فضای مناسب مدینه و منطق و اخلاق امام علیه السلام

فضای حضور امام علیه السلام در مدینه نسبت به سامرا آرام‌تر بود و امام علیه السلام نیز با توجه به فضای خفقان کمتر نسبت به سامرا ارتباط بهتری با شیعیان داشت. بخشش و کرم، علوم و معارف غنی، پارسایی و زهد و عبادت از ویژگی‌های مهم امام هادی علیه السلام بود (شریف قرشی، ۱۳۷۵) که فضای ارتباطی ایشان را بهتر می‌کرد. درباره بخشش و کرم امام هادی علیه السلام آمده است: «گروهی از شیعیان از جمله علی بن جعفر حمدانی، احمد بن اسحاق اشعری و ابو عمرو عثمان بن سعید به دیدار امام هادی علیه السلام رفتند. احمد بن اسحاق از مقروض بودن خود نزد امام اظهار ناراحتی کرد. امام به هر کدام سی هزار دینار هدیه داد» (ابن شهر آشوب، بی‌تا). ابن شهر آشوب این بخشش را معجزه‌گونه می‌داند و معتقد است چنین بخششی از پادشاهان برآید و این چنین جودی را نشنیده است (ابن شهر آشوب، بی‌تا).

### دوم) علاقه مردم به امام هادی علیه السلام

جایگاه امام هادی علیه السلام در مدینه و علاقه ویژه مردم مدینه به آن حضرت به گونه‌ای بود که حتی دشمنان امام را به واکنش واداشت. یحیی بن هرثمه که برای بردن امام به مدینه رفته بود با ورود خود، چنان غوغا و ناله‌ای از مردم دید و بیمناک شدن اهل مدینه درباره سلامتی حضرت علی النقی علیه السلام چنان ناله و شیونی پدید آورد که مانند آن شنیده نشده بود. (رک، مسعودی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۸۴/۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۴۹۴/۲) این جریان سبب شد تا یحیی بن هرثمه به مردم تعهد بدهد که گزندی به امام نخواهد رسید.



## سوم) تربیت نیرو و کادرسازی در مسجدالنبی

حضور امام دهم علیه السلام در مسجدالنبی همان ادامه مسیر هدایتی بود که سرآغاز آن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله کلید خورد. مکانی که هزاران شاگرد و راوی مانند زراره<sup>۱</sup> و هشام بن حکم<sup>۲</sup> را تربیت کرد که سهم امام دهم نیز در دوره خفقان عباسی بالغ بر ۱۹۰ شاگرد (کشی، بی تا) بود. از بین آنها می توان به عبدالعظیم حسنی<sup>۳</sup>، حسین بن سعید اهوازی<sup>۴</sup> و عثمان بن سعید<sup>۵</sup> اشاره کرد. (رک. این شهر آشوب، بی تا) شبستری مجموعه اصحاب، شاگردان و راویان حضرت علیه السلام را تا ۱۹۳ نفر ذکر می کند (شبستری، بی تا).

### ۲-۲-۲. محیط ناپذیرا

منظور از محیط ناپذیرا محیطی است که به دلیل اختلافات و تفاوت های عمده مذهبی، زبانی، نژادی یا فرهنگی با مبدأ پخش، امکان تأثیرپذیری اندکی از مبدأ پخش دارد. (برزگر، ۱۳۸۶) از مهمترین عوامل محیط ناپذیرا موانع سیاسی و موانع فرهنگی است.

### اول) موانع سیاسی محیط ناپذیرا در زمان امام هادی علیه السلام

موانع سیاسی از مهمترین عناصر تشکیل دهنده محیط ناپذیرا است که از جمله آنها می توان به خفقان حکومت و حاکمان دشمن اهل بیت علیهم السلام مانند متوکل اشاره کرد.

### الف) خفقان حکومت بنی عباس

خفقان و جو متشنج عصر امام هادی علیه السلام از موانعی بود که محیط را برای انتقال تعالیم با مشکل روبه رو می کرد. هرچند شرایط حاکم در مدینه به شدت خفقان شرایط سامرا نبود، حضرت هادی علیه السلام تا مدتی ملزم به حضور و استقرار در مقرر حکومتی مدینه بود و حتی هنگام شب، درب را قفل می کرد و کلید را با خود می برد. محمد بن شرف از یاران

۱. زراره بن اَعْنَب بن شَنْشَن شیبانی کوفی (حدود ۷۰-۱۵۰) از اصحاب اجماع و صحابه خاص امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و از بزرگ ترین فقها و متکلمان شیعه بود. (کشی، ۱۳۶۳ ه.ق، ۷/۲، ۵۰)  
 ۲. هشام بن حکم (حدود ۱۱۳-۱۷۹) متکلم شیعی قرن دوم قمری و از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام. روایاتی از امامان شیعه در مدح هشام نقل شده و بسیاری از دانشمندان شیعه او را ستایش کرده اند. علاوه بر این برخی از اهل سنت نیز او را از نظر علمی ستوده اند. (کشی، ۱۳۶۳ ه.ق، ۲/۵۲۶)  
 ۳. عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (۱۷۳-۲۵۲ ق) مشهور به عبدالعظیم حسنی از یاران امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام است. (صدوق، ۱۳۷۷، ۲/۲۷۹)  
 ۴. حسین بن سعید اهوازی (متوفای بعد از ۲۵۴)، فقیه و محدث امامی نیمه اول قرن سوم که همراه با برادرش حسن، آثار فقهی و حدیثی مهمی تألیف کرد. نام وی در اسناد بیش از پنج هزار حدیث شیعه آمده است. (طوسی، ۱۴۲۰ ه.ق، ص ۱۴۹)  
 ۵. ابو عمرو، عثمان بن سعید اسدی عمروی (متوفای قبل از ۲۶۷) نخستین نایب امام زمان و از یاران و شاگردان مورد وثوق امام هادی و امام حسن عسکری بود. (کشی، ۱۳۶۳ ه.ق، ۲/۸۱۳)

امام هادی علیه السلام می‌گوید: «در مدینه، در کنار ابی الحسن علیه السلام راه می‌رفتیم. خواستیم از آن حضرت از موضوعی سؤال کنیم، اما پیش از آنکه من پرسش کنم حضرت روبه من کرد و گفت: ما در محل پر رفت و آمدی هستیم و اینجا جای پرسش نیست» (دشتی، ۱۳۸۴).

### ب) هم‌عصر بودن امام هادی علیه السلام با متوکل

از جمله مهمترین مشکلات پیش روی امام هادی علیه السلام هم‌زمانی با خلافت متوکل عباسی بود؛ کسی که در دشمنی با اهل بیت علیهم السلام و علویان گوی سبقت را از دیگران ربود. از جنایات او می‌توان به تخریب بقعه و قبر مطهر امام حسین علیه السلام و شخم زدن زمین آن اشاره کرد. دشمنی متوکل نسبت به علویان و محبان امام هادی علیه السلام چنان بود که از هر نظر در صد اذیت و آزار آنها بود. برای نمونه عمر بن فرج رنجی، گمارده متوکل در مکه و مدینه، مانع احسان مردم به آل علی علیهم السلام می‌شد و هر که با آنها احسان و نیکی می‌کرد را مجازات می‌کرد. در این اوضاع و شرایط سخت، زنان علویه فقط یک لباس مناسب برای نمازگزاردن داشتند و به نوبت در آن نماز می‌خواندند. (کلینی، ۱۴۷هـ.ق، ۳/۸۲۷) شدت اختناق به‌گونه‌ای بود که اشخاص از ترس اقدامات خصمانه حکومت عباسی از ازدواج با علویان خودداری می‌کردند (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا). شدت این اختناق به قدری بود که حتی امام هادی علیه السلام به یکی از یاران خود که درباره دعای قنوت سؤال کرده بود، فرمود: «اگر ضرورت سختی رخ داد و از مخالفان و دشمنان نگران بودی دست‌ها را بلند نکن و سه بار بگو: بسم الله الرحمن الرحیم» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۴/۹۰۶).

برخی نویسندگان اهل سنت نیز به دشمنی متوکل با شیعیان و محبان حضرت علی علیه السلام تصریح کرده‌اند. ابن اثیر می‌نویسد: «وکان یقصد من یبلغه عنه انه بتوی علیا و اهله باخذ المال و الدم؛ در تصرف جان و مال شیعیان علی علیه السلام بسیار زیاده‌روی می‌نمود» (ابن اثیر، بی‌تا، ۷/۵۵). شدت دشمنی متوکل با علویان نسبت به خلفای قبل به‌گونه‌ای بود که دستور تخریب قبر مطهر امام حسین علیه السلام و از بین بردن آثارش را صادر کرد. عبارت اصفهانی در *مقاتل الطالبین* چنین است: «وکان من ذلک أن کرب قبر الحسین و عقی آثاره». صاحب *تاریخ الخلفاء* نیز در اینباره چنین می‌نویسد: «در سال ۳۶ دستور به ویرانی قبر حسین علیه السلام داد و هر آنچه اطراف آن بود را نابود کرد و در آن کشاورزی راه انداخت» (سیوطی، ۱۹۶۴). طوسی نیز به تخریب قبر امام حسین علیه السلام و شخم زدن زمین آن اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۱۴هـ.ق). بدرفتاری متوکل با علویان به امام





هادی (ع) نیز رسید. او پس از سعایت های متعدد کسانی مانند بریحه، امام هادی (ع) را از مدینه به سامرا فراخواند. اسحاق بن ابراهیم طاهری با شناختی که از متوکل داشت هنگام انتقال امام هادی (ع) از مدینه به سامرا به یحیی بن هرثمه گوشزد کرد که مبادا متوکل را بر قتل امام (ع) تحریک کند که در این صورت دشمنی رسول خدا (ص) را به جان خریده است (طوسی، ۱۴۱۴ه.ق). در چنین شرایطی بود که امام هادی (ع) سیاست تقیه را پیش گرفت به گونه ای که تارک تقیه را مانند تارک نماز معرفی کرد (اریلی، بی تا، ۲۵۲/۳). براساس سفارش اکید امام (ع) حتی یاران و محبان ایشان نیز تاکتیک تقیه را پیش گرفته بودند. برای نمونه وقتی زندان بان امام هادی (ع) در مواجهه با صقر بن ابی دلف از او پرسید مولایت کیست؟ او پاسخ داد: «مولایم امیرالمؤمنین [یعنی، متوکل] است» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۹۷/۲). وی در پاسخ صقر می گوید: «ساکت باش! مولای تو برحق است. از من مترس که من بر مذهب تو هستم» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۹۷/۲). اما به غلام خود می گوید: «دست صقرا بگیر و او را به اطافی که آن علوی [یعنی، امام هادی (ع)] در آنجا زندانی است، ببر» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۹۷/۲). این موضوع حاکی از تقیه زندان بان بود. از سویی در مقابل صقرا واژه مولی استفاده می کند و از سویی با ذکر کلمه علوی نزد غلام، سعی در تقیه و مخفی نگاه داشتن عقیده و مذهب خود دارد.

### دوم) موانع فرهنگی محیط ناپذیرا در زمان امام هادی (ع)

وضعیت فرهنگی هر جامعه متأثر از فضای حاکمیتی آن است. میان فرهنگ و دستگاه حاکم رابطه مستقیمی وجود دارد که اوج و انحطاط آن به اتخاذ سیاست های حکومتی بازمی گردد. موانع فرهنگی از عوامل سازنده محیط ناپذیر است که از جمله آنها در عصر امام هادی (ع) می توان به زوال فرهنگی و گسترش فساد و رواج اندیشه های انحرافی اشاره کرد.

### الف) زوال فرهنگی و گسترش فساد در زمان امام هادی (ع)

تاریخ از هوسرانی ها و بی بندوباری های افراطی خلفای عباسی مانند واثق و متوکل یاد می کند. برپایی بزم شراب، عیاشی، بنا کردن کاخ های پرتجمل، استفاده از لباس های زربافت و حرمسراهایی با کنیزان گوناگون از ویژگی های بارزشان بود. بی مبالاتی در صرف هزینه های بیت المال به حد اعلاى خود رسید تاجایی که متوکل در مجلسی دستور پرداخت هزار دینار برای هر بیت به شاعری به نام حسین بن ضحاک خلیع داد. لهو و لعب دربار



متوکل چنان بود که حتی وقتی ترکان به دستور منتصر به متوکل و وزیرش فتح بن خاقان حمله کردند و آنها را به قتل رساندند، متوکل به شدت مست بود. (مسعودی، ۱۴۹هـ.ق، ۴/۴)

### ب) رواج اندیشه‌های انحرافی در زمان امام هادی علیه السلام

علاقه خلفای عباسی به علم و علم‌آموزی، نهضت ترجمه را به راه انداخت که از این رهگذر کتب زیادی به عربی برگردانده شد. این خود یکی از مهمترین علل تشنیت فرهنگی در عصر امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام هادی علیه السلام بود. جبر و تفویض، تجسیم و رؤیت خدا از مسائلی بود که در عصر آن حضرت علیه السلام رواج داشت. خروجی برخی از این اعتقادات، گروه‌هایی مانند غلات، صوفیه، واقفیه، مجسمیه و باورمندان به رؤیت خدا بود که امام هادی علیه السلام به طور جدی با آنها مبارزه می‌کرد. از جمله افراد سرشناس گروه غلات در عصر امام هادی علیه السلام کسانی مانند فارس بن حاتم، محمد بن نصیر نمیری، علی بن حسکه و شاگردش قاسم یقطینی، حسن بن محمد بن بابای قمی، ابوالعباس طرنانی، ابوعبدالله کندی فتح بن یزید جرجانی و احمد بن محمد سیاری را می‌توان نام برد. (کشی، ۱۳۶۳/۲، ۸۰۵)

امام هادی علیه السلام در برخورد و مواجهه با غلات علاوه بر استفاده از شیوه‌های رایج مانند لعن غالیان و بیزاری از این‌گونه افراد از همنشینی با ایشان نهی می‌نمود و در مواردی به قتل و جرح غلات نیز دستور داده است. برای نمونه شخصی به نام علی بن حسکه قمی، امام هادی علیه السلام را خدا و خود را پیامبر می‌دانست. آن حضرت علیه السلام در پاسخ شیعیان نسبت به اعتقاداتش وی را دروغ‌گو خطاب کرد و از او بیزاری جست و نفرینش کرد. از دیگر سران غلات، فارس بن حاتم بود که امام علیه السلام به کشتنش دستور داد و برای قاتلش بهشت را ضمانت کرد که توسط جنید کشته شد (کشی، بی‌تا، ۲/۸۴).

### ۲-۳. مسیرهای پخش

منظور از مسیرهای پخش، آن دسته از مجاری است که با آنها امکان سرایت یک پدیده از مبدأ پخش به مقصد پخش فراهم می‌شود. در بحث مسیرهای پخش باید حداقلی از افراد باشند که رفتاری را انجام دهند تا پس از آن، جریان اشاعه خود به خود مانند توده برفی که به یهم تبدیل می‌شود، ادامه یابد. (رفیع پور، ۱۳۷۶) براساس نظریه پخش، پیام‌ها از سه مسیر از مبدأ به مقصد منتقل می‌شوند:



## ۲-۳-۱. پخش جابه جایی

پخش جابه جایی زمانی رخ می دهد که افراد یا گروه های با یک ایده مخصوص به طور فیزیکی از مکانی به مکانی دیگر حرکت کنند و از این راه ابداعات و نوآوری در سرزمین جدید گسترش یابد. امام هادی (ع) پس از انتقال از مدینه به سامرا تعالیم خود را در این سرزمین گسترش داد. نمونه آن را در سازمان وکالت می توان دید. نقش سازمان وکالت در دوره متشنج عباسی به ویژه عصر متوکل بیش از پیش مهم جلوه می کرد. مهمترین قسمت اقدامات سازمان وکالت در عصر امام هادی (ع) را فعالیت های فرهنگی تشکیل می داد. این بخش از فعالیت ها، طیف وسیعی از مسائل فقهی، کلامی و تربیتی را پوشش می داد که از راه پرسش های شیعیان و پاسخ از سوی امام های (ع) و به صورت مکتوب و با واسطه وکلا انجام می شد. این موضوع در غنا و قوام بخشی به فرهنگ شیعه تأثیر بسزایی داشت و امتداد آن، بسترسازی فرهنگ غیبت و انتظار بود. امام هادی (ع) در برخورد با ستمکارترین خلیفه بنی عباس و هنگام جابه جایی از مدینه به سامرا از نوآوری های خاصی استفاده کرد. در این باره می توان به اشعار ایشان در بزم متوکل و پاسخ به پرسش های صقر بن ابی دلف کرخی در زندان اشاره کرد. (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۹۵/۲)

## ۲-۳-۲. پخش سرایتی

در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می گیرد. در پخش سرایتی، افکار، اندیشه ها و مفاهیم از سرزمین میزبان به سرزمین جدید هجرت می کند و چون این هجرت فیزیکی نیست سرعت انتشار بالایی دارد. همچنین تعداد آگاهان به آن به طور دائم افزایش یافته و به این ترتیب ناحیه مورد پوشش نیز بزرگ می شود. (سعیدی نسب، ۱۳۹۲) در این مدل، تسری موضوعات به نزدیک ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. به عبارت دیگر، اثر همسایگی در پخش سرایتی، عامل کلیدی است (کامران، ۱۳۹۲، ۳۷/۷۶). در مورد پخش تعالیم امام هادی (ع) به شیوه سرایتی می توان به تبیین در قالب ادعیه و زیارات مانند زیارت غدیریه و جامعه کبیره اشاره کرد. زیاراتی که منسوب به آن حضرت (ع) است در سرزمین های جدید سرایت بالایی دارند به گونه ای که این مدل پخش، نه فقط مرزهای سرزمینی را درمی نوردد بلکه از

نظر زمانی نیز در زمان کنونی مدل جامعی به شمار می‌رود.

### ۲-۳-۳. پخش سلسله مراتبی

در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از راه توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش می‌یابد. بنابراین، نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین‌تر منتشر می‌شود که برخی به آن، انتشار ریزشی نیز می‌گویند. (برزگر، ۱۳۸۶، ۲۷/۵) تربیت نیرو و کادرسازی در فضای عصر بنی‌عباس از مصادیق پخش سلسله‌مراتبی است که نقش بسزایی در انتقال تعالیم از افراد به یکدیگر داشت. تعالیمی که ابتدا توسط امام هادی علیه السلام به شاگردان ایشان مانند زراره و هشام بن حکم منتقل و پس از آن توسط این حلقه در طبقات پایین‌تر و بین توده مردم پخش شد.

### ۲-۴. زمان پخش

شاید برخی معتقد باشند به دلیل فضای مناسب‌تر مدینه، زمان پخش همان عصر حضور امام علیه السلام در مدینه بوده است در حالی که حضرت هادی علیه السلام به انتقال تعالیم حتی در سامرا نیز اهتمام داشت. موقعیت‌شناسی آن امام علیه السلام و اتخاذ راهکارهای متفاوت در برهه‌های مختلف حضور ایشان در سامرا مؤید این مطلب است. ایشان خلیفه مست از خمر و می را با اشعاری از یاد مرگ چنان متنبه می‌کند که آن خلیفه پس از گریستن به حضرت پاداش نیز می‌دهد و زمانی دیگر در قالب ادعیه، جایگاه والای امامت را تبیین می‌نماید. حتی آن هنگام که متوکل، امام هادی علیه السلام را زندانی می‌کند و صقر بن ابی دلف کرخی برای زیارتش به زندان می‌رود، پاسخ سؤالات شرعی خود را دریافت می‌کند. (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۹۵/۲)

### ۲-۵. موضوع پخش

بررسی وضعیت جامعه عصر امام هادی علیه السلام بیانگر آن است که مهمترین موضوع پخش، انتقال تعالیم الهی به‌ویژه امامت در قالب تصریح، ادعیه و زیارات مانند زیارت غدیریّه و جامعه کبیره بوده است. از سویی، مبارزه با جریان‌های منحرف عقیدتی نیز موضوع مهم آن عصر بوده است.





### ۳. برخی از تعالیم امام هادی (علیه السلام) در جنبه های ایجابی و سلبی

#### ۳-۱. مبانی دفاع از امامت در زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه

امام هادی (علیه السلام) در بیان اهمیت امامت، آن را در زیارت جامعه کبیره در کنار توحید و نبوت می آورد: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أُرْسِلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدِينَ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۲/۶۱۱) که این موضوع بیانگر یکی از مؤلفه های اصول دین است. مسئله امامت در صفتبندی میان تشیع و اهل سنت نقش بسزایی دارد. اهل سنت امامت را از فروع می دانند. برای نمونه، ایجی در *المواقف فی علم الکلام* در بحث امامت این گونه آغاز می کند: «عدنا من الفروع» (ایجی، بی تا) ایشان در ادامه، جایگاه ولایت را تبیین کرده و با عبارت «وَأُزْكَاتُ لِتَوْحِيدِهِ» در تبیین جایگاه آن سنگ تمام گذاشت. اساسی ترین پایه هر چیزی را رکن آن می نامند که فروریختن رکن، سبب از بین رفتن آن می شود. واژه ارکان در دو عبارت از زیارت جامعه به کار رفته است: عبارت «ارکان البلاد» که امامان در آنجا رکن جهان ماده اند و وجودشان مایه آرامش کره خاکی است. همچنین در عبارت «ارکانا لتوحید»، امام (علیه السلام) رکن معنوی جهان محسوب می شود و پایه اساسی توحید و یکتا پرستی، اعتقاد به امام معصوم (علیه السلام) است. بنابراین، در این الگو در ابتدا به منشأ و سرآغاز امامت، سپس امامت، از عناصر اصول دین در کنار توحید و نبوت و در نهایت، امامت سنگ بنا و پایه توحید، اشاره می شود. در نگاه راهبردی به برنامه های تعلیمی امام هادی (علیه السلام) تبیین جایگاه و دفاع از مقام امامت و تأکید بر واقعه غدیر خم در زیارت غدیریه و جامعه کبیره راهبردی کلان است که پس از اثبات آن، تعالیم امام هادی (علیه السلام) در حوزه امام شناسی دیگرانمه، ذیل راهبردهای خردتر قرار می گیرد که به طور طبیعی نسبت به مسئله نخست راه دشواری نخواهد داشت. در مجموع و با نگاهی کلان، ساختار زیارت غدیریه و زیارت جامعه کبیره از سه منظر اهمیت دارد: تعیین مصداق امام؛ جایگاه امامت براساس افضلیت؛ تبیین خصائص امام.

#### ۳-۲. تعیین مصداق امام در زیارت غدیریه و جامعه کبیره

امام هادی (علیه السلام) با شیوه های مختلف به تبیین مصداق امام پرداخت چنان که در زیارت جامعه، اهل بیت (علیهم السلام) را رهبران امت معرفی کرده و از آنها با عباراتی مانند عرصه رفت و آمد

فرشتگان و مرکز فرود آمدن وحی یاد کرده است: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خِرَّانِ الْعِلْمِ وَ مُمَّتِي الْحِلْمِ وَ اُصُولِ الْكُرَمِ وَ قَادَةِ الْأُمَمِ» (صدوق، ۱۴۱۳/۲، ۶۱۰) همچنین در همان فرازهای ابتدایی زیارت غدیریه، پس از سلام بر پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ، این امام را با واژگانی بسیار عمیق و زیبا مانند امیرمؤمنان، سرور جانشینان، وارث دانش پیامبران و ولی پروردگار جهانیان خطاب می‌کند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَاثِرَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ه.ق. ص ۲۶۴). پس از ذکر فضائل امیرالمؤمنین ﷺ با عبارت «أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَ وَصِيَّهُ وَ وَاثِرُ عِلْمِهِ وَ أَمِيئُهُ عَلَى سَرْعِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ؛ شهادت می‌دهم که تویی برادر رسول خدا و وصی و وارث علم و جانشین او در امتش» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ه.ق. ص ۲۶۵) مصادیق امام را ذکر می‌کند. امام هادی ﷺ در ادامه به اقدام پیامبر ﷺ در ابلاغ جانشینی امیرالمؤمنین ﷺ اشاره کرده و از بیعت گرفتن آن حضرت از مردم برای امیرالمؤمنین ﷺ یاد کرده است: «وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا نَزَّلَهُ فِيكَ فَصَدَّعَ بَأَمْرِهِ وَ أَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فُرْصَ طَاعَتِكَ وَ وِلَايَتِكَ وَ عَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ وَ جَعَلَكَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ه.ق. ۲۶۵).

در آیه ۶۷ سوره مائده آمده است که شأن نزول این سوره در گرمای سوزان بیابان، ابلاغ رسالت الهی است و آن چیزی نیست جز: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه». همانی که عده‌ای که حتی خود را از خواص صحابه پیامبر ﷺ قلمداد می‌کنند از مولی (ر.ک.، موسوی شفتی، بی تا) به دوست تعبیر کرده‌اند و پس (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰). در عبارت «ارکانا لتوحیده» امام، رکن معنوی جهان محسوب می‌شود و پایه اساسی توحید و یکتاپرستی، اعتقاد به امام معصوم ﷺ است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰). امام هادی ﷺ در ادامه به جایگاه ولایت امیرالمؤمنین ﷺ در قرآن اشاره کرده و می‌فرماید: «وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوِلَايَتِكَ التَّثْبِيلُ وَ أَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ». امام هادی ﷺ نص صریح پیامبر ﷺ در روز غدیر را نیز یادآور شده و حق خلافت و حکومت را پس از پیامبر ﷺ از آن امام علی ﷺ می‌داند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَاوَاهُ وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذْ مَنْ خذَلَهُ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ه.ق. ص ۲۷۲). ایشان در فراز دیگری از زیارت غدیریه نیز با ذکر هدایت‌کننده و آماده‌کننده برای معاد به این امر اشاره می‌کند: «مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ وَ الْهَادِي إِلَىٰ



امام هادی علیه السلام با عبارت «فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَلَايَتِكَ؛ خد العنت کند منکر ولایت را» به دشمنان و منکران ولایت و امامت پاسخ می دهد. پاسخی که متمم و مکمل آن در زیارت جامعه کبیره با عبارات: «عَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ؛ خشم حضرت رحمان است بر کسی که منکر ولایت شما شد»، «وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْحُجَيْمِ؛ و هر که شما را رد کرد در پست ترین جایگاه از دوزخ است»، «وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالْتَأَرْ مَوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ؛ هر که منکر شما شد کافر است؛ هر که با شما جنگید مشرک است» دامنه ولایت و امامت را از امام علی علیه السلام به سایر امامان معصوم تعمیم می دهد. در نهایت با ذکر فراز «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ؛ آنکه شما را دوست داشت خدا را دوست داشته و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته و هر که به شما محبت ورزید به خدا محبت ورزیده و هر که با شما کینه توزی نمود با خدا کینه ورزی نموده است» فصل الخطاب میان حق و باطل مشخص می شود.

### ۳-۳. اثبات جایگاه امامت براساس افضلیت در زیارت غدیریه و زیارت جامعه کبیر

از جمله محورهای زیارت غدیریه اثبات جایگاه امام براساس افضلیت آن حضرت است. چنان که فرمود: «وَأَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ؛ ای امیرالمؤمنین! تو بودی اول کسی که به خدا ایمان آورد و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود، تصدیق کرد». امام هادی علیه السلام در ادامه، جایگاه رفیع امیرالمؤمنین علیه السلام را در بالاترین سطح به تصویر کشیده است: «مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَثَرَتَكَ وَ أَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ». امام علیه السلام با استفاده از صفت عالی و ذکر صفات و خصایصی مانند اولین عبادت کنندگان و باتقواترین آنها و فروبرنده خشم، بخشش مردم، عادل و عالم به حدود الهی جایگاه ویژه و افضلیت آن حضرت را تبیین کرده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ أَوَّلَ الْعَابِدِينَ وَ أَزْهَدَ الرَّاهِدِينَ»، «وَ أَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْعَيْظِ وَ الْعَاقِي عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الصَّغْرَاءِ وَ حِينَ النَّاسِ وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسُّوْبَةِ وَ الْعَادِلُ فِي الرِّعْيَةِ وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ». جایگاه امام براساس افضلیت در زیارت جامعه کبیره نیز توسط امام هادی علیه السلام مطرح شده است چنان که در فرازی از جامعه کبیره، اهل بیت علیهم السلام را از هرگونه رجس، پلیدی و گناه مبرا دانستند و این



همان مقام عصمت است: «وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، البته این مقام عصمت را خداوند در قرآن با ذکر آیه تطهیر تبیین کرده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». امام هادی علیه السلام با استفاده از آیاتی مثل آیه تبلیغ (ر.ک. مائده: ۶۷)، آیه ولایت (ر.ک. مائده: ۵۵) و لیلۃ المبیت (ر.ک. یقره: ۲۰۷)، فداکاری های امیرالمؤمنین علیه السلام را به تصویر کشیده است و با اشاره به حضور آن حضرت در جنگ هایی مانند بدر، احزاب، احد، حنین، صفین، جمل و نهروان، رشادت های امام علی علیه السلام را متذکر می شود.

### ۳-۴. تبیین خصائص امام در زیارت غدیریه و زیات جامعه کبیره

از جمله مهمترین نکات در زیارت غدیریه و زیات جامعه کبیره، تبیین ویژگی ها و خصایص امام است که امام هادی علیه السلام به خوبی آن را تبیین کرده است. امام هادی علیه السلام با تعابیر متعددی به تبیین ویژگی های امام علیه السلام پرداخته است چنان که در زیارت جامعه عناوینی مانند پیشوایان راهنما، راه یافته، معصوم، مکرم، مقرب پرهیزگار، راست گو، برگزیده، فرمانبردار خدا، قیام کننده به فرمانش، عمل کننده به خواسته اش و دست یافته به کرامتش را به کار برده است: «وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْإِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيُونَ الْمُغْضُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِ الْعَالَمُونَ يَا زَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ». همچنین آنها را چراغ راه و نشانه هایی برای یافتن راه درست معرفی کرده است: «وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَأِدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ». این سخنان و واژه ها از جانب کسی که خود چراغ هدایت است بیانگر جایگاه اهتمام امام به تبیین جایگاه امامت با بیان ویژگی های امام علی علیه السلام است. زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام نیز فرازهایی در باره خصایص امام علی علیه السلام دارد که تعابیری مانند امیرمؤمنان، سرور جانشینان، وارث دانش پیامبران، ولی پروردگار جهانیان، ایمان آورنده به خدا و جهادکننده در راه او را دربردارد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ وَليَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مَوْلَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَىيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ عَنْهُ يُسْأَلُونَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمَّنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ وَ صَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكَذِّبُونَ وَ جَاهَدْتَ [فِي اللَّهِ] وَ هُمْ مُجْحَمُونَ [مُجْحَمُونَ] وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ صَابِرًا مُخْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ». امام



هادی (ع) در ادامه فراز دیگری در زیارت غدیریه مخالفت پیوسته و همیشگی با هوای نفس و هم پیمان بودن با پرهیزگاری را از خصایص امام علی (ع) برشمرد: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهُوَىٰ مُخَالِفًا وَ لِلتَّقَىٰ مُخَالِفًا». چنین تعابیری درباره امیرالمؤمنین در فضای نامناسب آن روزگار که دستگاه خلافت بیشترین دشمنی را با امیرالمؤمنین (ع) داشت بیانگر اهتمام امام (ع) به جایگاه امامت با معرفی والاترین شخصیت این جایگاه یعنی، امیرالمؤمنین (ع) و بیان خصایص آن حضرت است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

امام هادی (ع) در امتداد سیره نبوی، کانون و مبدأ پخش تعالیم الهی در عصر خفقان عباسی بود. از آنچه گفته شد و با استفاده از نظریه پخش می‌توان گفت که امام هادی (ع) با توجه به وجود شرایط ناپذیرای محیطی ناشی از موانع سیاسی و فرهنگی عصر خود مانند حاکمان عباسی و محیط حاصل از فضای فکری-عقیدتی عصر عباسیان، موفق شد تا موضوع پخش یعنی، پیام دین به‌ویژه امامت را منتقل کند. امام دهم شیعیان (ع) با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، موضوع پخش یعنی، مباحث کلیدی و اساسی مانند امامت را در قالب زیارت غدیریه و زیارت جامعه کبیره تبیین نمود و با موانع مبارزه کرد. به‌کارگیری قالب دعا برای تبیین اصل امامت، جایگاه آن و معرفی مصادیق امامت مانند معرفی امیرالمؤمنین علی (ع) که تنها فرد شایسته این منصب بعد از رسول خدا (ص) بود، تصریح بر امامت خود و تبیین آن و معرفی فرزندش امام حسن عسکری (ع) در قالب جانشین خود از نکات و موضوع پخش در سخنان، دعاها و زیارت‌های آن حضرت (ع) است. عدم تحدید زمان پخش به حضور در مدینه و استفاده از ابزارهای ترکیبی کادرسازی و تبیین ادعیه، بهترین راهبرد در تکمیل مجاری پخش در انواع جا به‌جایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی توسط امام هادی (ع) بوده است.

#### فهرست منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (بی‌تا). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲). *الخصال*. مترجم: جعفری، یعقوب. قم: نسیم کوثر.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی‌تا). *المناقب*. قم: علامه.
۴. ابن‌مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ ه.ق). *المزار الکبیر*. مصحح: قیومی اصفهانی، جواد. قم: دفتر انتشارات



- اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابوالفرج اصفهانی (بی تا). *مفاتیح الطالبین*. بیروت: دارالمعرفه.
  ۶. اربلی، علی بن عیسی (بی تا). *کشف النعمه فی معرفه الائمه*. تصحیح: میانجی، ابراهیم. مترجم: زواره‌ای، علی بن حسن. تهران: منشورات اسلامیه.
  ۷. بزرگو، ابراهیم (۱۳۸۶). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی. *نشریه پژوهش حقوق و سیاست*، ۴۰، ۵-۷.
  ۸. یانوف، میشل، و پرون، میشل (۱۳۶۸). *فرهنگ مردم‌شناسی*. مترجم: عسکری خانقاه، اصغر. تهران: نشر ویس.
  ۹. جردن، تری، و راوندتری، لستر (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*. مترجم: تولایی، سیمین، و سلیمانی، محمد. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
  ۱۰. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۶). *وسایل الشیعه*. مصحح: ربانی شیرازی، عبدالرحیم. تهران: اسلامیه.
  ۱۱. دشتی، محمد (۱۳۸۴). نقش سیاسی سازمان وکالت در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام. *نشریه فرهنگ جهاد*، شماره ۴ (۱۶)، ۹۱-۱۰۳.
  ۱۲. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
  ۱۳. سبط بن جوزی، یوسف بن قراوغلی (۱۴۲۶ ه.ق). *تذکره الخواص من الائمة بذكر الخصائص الائمة*. محقق: تقی زاده، حسین. قم: مجمع العالمی لاهل البیت علیهم‌السلام.
  ۱۴. سعیدی‌نسب، توح (۱۳۹۲). *راه‌های گسترش و نفوذ اسلام در اسناد عصر اموی*. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
  ۱۵. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۹۶۴). *تاریخ الخلفاء*. محقق: محی الدین عبدالحمید. القاهرة: مطبعه العانی.
  ۱۶. شیبستری، عبدالحسین (بی تا). *النور الهدی الی اصحاب امام الهادی علیه‌السلام*. قم: کتابخانه تخصصی تاریخ ایران و اسلام.
  ۱۷. شریف قرشی، باقر (۱۳۷۵). *زندگانی امام علی الهادی علیه‌السلام*. مترجم: اسلامی، حسن. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
  ۱۸. صدوق، محمدبن علی بن حسین (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: نشر اسلامیه.
  ۱۹. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). *الامالی*. قم: دار الثقافة.
  ۲۰. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۲۰ ه.ق). *فهرست کتب شیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول*. محقق: طباطبایی، عبدالعزیز. قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.
  ۲۱. کامران، حسن (۱۳۹۲). تأثیر انقلاب ایران بر شیعیان پاکستان براساس نظریه پخش. *نشریه جغرافیای ایران*، ۱۱(۳۷)، ۷۱-۹۵.
  ۲۲. کشی، محمدبن عمر (۱۳۶۳). *اختیار معرفه الرجال*. محقق: رجایی، مهدی. مصحح: محمدباقر بن محمد میرداماد. قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
  ۲۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۷ ه.ق). *الکافی*. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
  ۲۴. کورانی، علی (۱۳۹۶). *امام هادی علیه‌السلام زندگانی سرشار از جهاد و معجزه*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
  ۲۵. محلاتی، ذبیح‌الله (۱۲۸۴). *مآثر الکفر فی تاریخ سامرا*. قم: المکتبه الحیدریه.
  ۲۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰). *شرح زیارت جامعه کبیره یا تفسیر قرآن ناطق*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
  ۲۷. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۹ ه.ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. محقق: یوسف اسعد داغر. قم: مؤسسه دارالهجره.
  ۲۸. مطهری، حمیدرضا (۱۳۹۷). *مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام هادی علیه‌السلام*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
  ۲۹. موسوی شفتی، اسدالله بن محمدباقر (بی تا). *الامامه*. محقق: رجایی، مهدی. اصفهان: مکتبه مسجد سید اصفهان.

